

سوزه

از لیگ برتر ایران تا دسته دوم روسیه

لژیونر شدن یا سقوطی با چاشنی آورده مالی؟

فوتبال ایران، گویی در چرخ‌های معیوب از امید و ناامیدی گرفتار آمده‌است. دروافسای آرزوی دیرینه «لژیونر شدن» که برای بسیاری از فوتبالیست‌های جوان ایرانی حکم رؤیای دست‌نیافتنی را دارد، پدیده‌ای شوم به نام «دلالی» سایه‌افکنده و مسیر پیشرفت را به بیراهه‌ای پرخطر تبدیل کرده‌است. این تراژدی، نه تنها سرمایه‌های انسانی فوتبال کشور را هدر می‌دهد، بلکه اقتصاد نحیف باشگاه‌های داخلی را نیز تحت فشار قرار می‌دهد.

نادر محمدی، هافبکی با سابقه حضور در تیم‌های مطرح لیگ برتری نظیر سپاهان و تراکتور، اکنون پیراهن اسپارтак کاستروما، تیمی گمنام در لیگ دسته دوم روسیه را بر تن دارد. این انتقال، پرسشی بنیادین را در ذهن هر تحلیلگر ایجاد می‌کند، چرا بازیکنی که در بالاترین سطح فوتبال ایران، با تمام کاستی‌هایش، حداقل در معرض دید رسانه‌ها، هواداران و حتی کادرفنی تیم ملی قرار دارد، به سطحی به مراتب پایین‌تر در فوتبال روسیه تن می‌دهد؟ پاسخ، تلخ و گزنده است: «پیشرفت فوتبالی» در این معادلات جایگاهی ندارد؛ آنچه در این میان خودنمایی می‌کند، «بازار داغ دلالی» است.

تکرار الگوی شکست خورده بلژیک، این بار در روسیه

سال‌ها پیش، بلژیک بهشت لژیونر شدن بـرای استعداد‌های جوان ایرانی معرفی می‌شد. اما تجربه تلخ یونس دلفی، امید نوافکن، محمد نادری و امیرحسین حسین‌زاده که پس از حضوری بی‌ثمر در ژوپی‌رلیگ یا به نیمکت نشینی مطلق رضایت دادند و یا با ناامیدی به لیگ ایران بازگشتند، نشان داد که این مسیر، الزماً به موفقیت ختم نمی‌شود. اکنون همان الگوی شکست خورده، با شمایل جدید و این بار در روسیه در حال تکرار است. اما این بار، وضعیت اسفناک‌تر به نظر می‌رسد: زیرا بازیکنان به تیم‌های مطرح و صاحب‌نام فوتبال روسیه (همچون زنیّت و زسکا) نمی‌پیوندند، بلکه مقصدشان تیم‌های گمنام و درجه چندم است؛ باشگاه‌هایی که از کمترین میزان هوادار برخوردارند، استادیوم‌هایشان خالی از شور و هیجان است و از منظر فنی، هیچ برتری ملموسی نسبت به تیم‌های متوسط لیگ برتر ایران ندارند.

لیگ برتر ایران: برتری‌های نادیده گرفته شده در برابر دسته دوم روسیه

بایباید واقع بین باشیم. لیگ برتر ایران، با وجود تمام حواشی و مشکلات مدیریتی، از سطح فنی نسبتاً قابل قبولی برخوردار است. تیم‌هایی مانند پرسپولیس، استقلال، سپاهان و تراکتور در ورزشگاه‌هایی مملو از تماشاگر به میدان می‌روند. بازیکنان در معرض قضاوت مستقیم هواداران و رسانه‌ها قرار دارند و انگیزاننده‌های مالی و اعتباری قابل توجهی در این رقابت وجود دارد. در مقابل، لیگ دسته دوم روسیه چه دارد؟ رقابتی گمنام، با سطح تاکتیکی پایین‌تر و کاملاً حاشیه‌ای. با این اوصاف، آیا یک بازیکن با نگرش حرفه‌ای و منطقی، تنها به دلیل «پیشرفت فنی» چنین انتقالی را می‌پذیرد؟ مسلماً خیر. تنها عامل توجیه‌کننده چنین نقل و انتقالاتی، منافع شخصی دلالتان است. واقع اخیر در مورد کسری طاهری و محمد مهدی زارع، این حقیقت تلخ را عریان می‌کند. این دو بازیکن که از سوی باشگاه پرسپولیس مورد توجه قرار گرفته‌اند، اکنون در دام شبکه‌ای از دلالی گرفتار شده‌اند. نمونه یازد دیگر، انتقال سعید سحرخیزان به استقلال است. آبی‌پوشان پایتخت مجبور شدند بیش از ۲ میلیون یورو به باشگاه اوزنبرگ بپردازند؛ رقمی که در شرایط عادی یی توانست برای جذب یک مهاجم خارجی درجه یک و آماده به خدمت، مورد استفاده قرار گیرد. این وضعیت نشان می‌دهد که اقتصاد نحیف فوتبال ایران، قربانی مستقیم این چرخه مخرب دولتی می‌شود. پول باشگاه‌های داخلی که از جیب هواداران و سرمایه‌گذاران واقعی تأمین می‌شود، به جای تقویت بنیه تیم‌ها، صرف «آزادسازی» بازیکنانی می‌شود که اصلاً نباید راهی این کشورهای ناشناخته می‌شدند.

حقیقت این است که در پس هر یک از این انتقالات، یک شبکه دلالی منسجم وجود دارد که با وعده‌های پوшالی «لژیونر شدن»، بازیکنان جوان و بعضاً ساد‌لوح را به تیم‌هایی درجه چندم اروپا سرازیر می‌کنند. آنها به خوبی می‌دانند که این بازیکنان دیر بازود از تصمیم خود ششیمان خواهند شد و در آن زمان، نوبت به دریافت کمیسیون‌های کلان از باشگاه‌های ایرانی برای بازگرداندن آنها می‌رسد. این یک «بازی دوسربر» برای دلالتان است که هم هنگام خروج بازیکن و هم هنگام بازگشت او، سودهای هنگفتی به جیب می‌زنند.

دلارهای فیفا در حساب شیخ نشین‌ها

لژیونرهای ایرانی، عابر بانک لیگ امارات

نکته روز

حضور بازیکنان ایرانی در جام جهانی ۲۰۲۶، فائز از خروجی‌های فنی و نقد‌های ساختاری به عملکرد تیم ملی، یک بازنده بزرگ دیگر نیز داشت که کمتر کسی به آن پرداخت: اقتصاد فوتبال ایران. در حالی که باشگاه‌های داخلی با چالش‌های شدید مالی، بدی‌های فزاینده و پرونده‌های باز و خطرناک در فیفا دست و پنجه نرم می‌کنند، ترانسفر ستاره‌های ایرانی به حاشیه خلیج فارس، یک هدیه مالی باآورده، شیرین و میلیون‌دلاری را به حساب باشگاه‌های اماراتی سرازیر کرده است تا بار دیگر مشخص شود که ما در ترازنت مالی فوتبال چقدر از رقبا منطقه‌ای عقب مانده‌ایم. براساس گزارش رسمی روزنامه‌ال بیان امارات، باشگاه‌های حاضر در لیگ حرفه‌ای این کشور به لطف حضور بازیکنان خود در جام جهانی ۲۰۲۶، مجموعاً حدود یک میلیون و ۷۵۶ هزار

گزارش یک سینا حسینی خبرنگار

معمای تمدید قرارداد امیر قلعه‌نویی همچنان برای اهالی فوتبال مبهم است و تا این لحظه هیچ توضیح شفاف و مستندی درباره تداوم حضور سرمربی تیم ملی در کادر فنی ارائه نشده است. تنها واکنش رسمی به این موضوع، اظهارنظر کوتاه مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال در یک گفت‌وگوی مختصر بود که اعلام کرد امیر قلعه‌نویی تا پایان جام ملت‌ها در سمت خود باقی خواهد ماند؛ اظهارنظری که بیش از آنکه به ابهامات پایان دهد، پرسش‌های تازه‌ای ایجاد کرده است.

با رجوع به اساسنامه فدراسیون فوتبال، تناقضی آشکار در این روند به چشم می‌خورد؛ چراکه مطابق قانون، رئیس فدراسیون موظف است موضوع تمدید قرارداد سرمربی تیم ملی را در جلسه هیأت رئیسه مطرح کند و تنها در صورت تأیید اکثریت اعضا، ادامه فعالیت او و جاهت قانونی پیدا می‌کند. این در حالی است که هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال

فرصت کوتاه تا جام ملت‌ها

تیک تاک ساعت برای فوتبال ایران

چالش روز

با نزدیک شدن به ماراتن حساس جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ که قرار است از ۱۷ دی تا ۱۶ بهمن ۱۴۰۵ به میزبانی سه شهر ریاض، جده و الخبر در خاک عربستان سعودی برگزار شود، عقربه‌های ساعت برای فوتبال ایران با سرعتی بی‌امان در حال حرکت است. این تورنمنت حیثیتی که می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ فوتبال کشور باشد، پاشنه آشیل جدید مدیریت فوتبال کشور محسوب می‌شود. در این میان، بزرگ‌ترین دغدغه نه تنها به خود مسابقات، بلکه به نحوه مدیریت تقویم جدید فیفا و مه‌ندسی اردوهای تدارکاتی بازمی‌گردد. سوالی که این روزها اذهان عمومی را به خود مشغول کرده و مستقیماً فدراسیون فوتبال را هدف می‌گیرد این است، آیا باز هم قرار است یوزها در کمپ‌های بی‌حاصل و دوری همچون تیخوانا فرسوده شوند و فرصت‌های طلایی آماده‌سازی را از دست بدهند؟

جراحی تقویم فیفا و پنجره‌های محدود آماده‌سازی

بر اساس آخرین دستورالعمل فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا)، تقویم بازی‌های بین‌المللی دستخوش جراحی و تحولی اساسی شده است. در فرمت جدید، پنجره سنتی ماه اکتبر به طور کامل حذف و در دل ماه سپتامبر ادغام شده است. با این حساب، تیم ملی ایران یک «ابرپنجره» ۱۶ روزه در اوایل مهرماه در اختیار دارد که در آن مجاز به برگزاری ۱۴ مسابقه تدارکاتی است. پس از آن، آخرین ایستگاه

رسمی پیش از آغاز جام ملت‌ها، فیفادی ۹ روزه آبان‌ماه (۱۷ تا ۲۶ نوامبر ۲۰۲۶) خواهد بود که فرصت برگزاری بازی‌2 دیگر را به کادر فنی می‌دهد. با یک حساب سرانگشتی، قلعه‌نویی و شاگردانش تا پیش از سوت آغاز جام ملت‌ها، تنها دو پنجره رسمی در اختیار دارند: فرصتی مینیاتوری و بسیار فشرده که هرگونه خطای محاسباتی در آن، به قیمت یک نسل‌سوزی و ناکامی جدید برای فوتبال ایران تمام خواهد شد. این محدودیت زمانی، اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه را دوچندان می‌کند.

اما آنچه لریز فر تن مستندان و دلسوزان فوتبال می‌اندازد، مرور دکوپاژ فدراسیون در انتخاب کمپ‌های تدارکاتی در گذشته است. یوزها برای شکستن طلسم فینر قمری در ریاض و رسیدن به قهرمانی، نیازمند سرباش شدن با قدرت‌های صاحب‌سبک آسیا و اروپا هستند تا عیار دفاعی و هجومی شان در بازی‌های پر فشار محک بخورد، نه اینکه با برد‌های صوری پشت اوایل مهرماه در اختیار دارد که در آن مجاز به برگزاری ۱۴ مسابقه تدارکاتی است. پس از آن، آخرین ایستگاه

قرارداد سرمربی تیم ملی با وجود انتقادها تمدید می‌شود

شاید قلعه‌نویی بعد از جام ملت‌ها خدا حافظی کند



پس از پایان جام جهانی تاکتون تشکیل جلسه نداده و همین مسأله، وضعیت قرارداد قلعه‌نویی را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

نکته قابل تأمل اینکه فدراسیون فوتبال هنوز تاریخی برای برگزاری جلسه هیأت رئیسه اعلام نکرده و برخی اعضای این هیأت نیز در گفت‌وگو با ایران ورزشی تأکید کرده‌اند که هیچ دعوت‌نامه یا هماهنگی رسمی برای حضور در چنین جلسه‌ای دریافت نکرده‌اند. این سکوت و تعلل، انتقاداتی را نسبت به نحوه مدیریت این پرونده به همراه داشته است.

بررسی‌های ایران ورزشی نشان می‌دهد قرارداد امیر قلعه‌نویی با فدراسیون فوتبال تا هفته اول مرداد ۱۴۰۵ اعتبار دارد و تمدید آن منوط به تصمیم‌گیری رسمی هیأت رئیسه است. در غیر این صورت، ادامه همکاری با سرمربی تیم ملی از منظر حقوقی با چالش جدی مواجه خواهد شد.

در عین حال، بررسی فضای حاکم بر هیأت رئیسه نشان‌دهنده اختلاف نظر میان ۹ عضو این مجموعه درباره تمدید قرارداد قلعه‌نویی است. با این حال، این اختلاف‌ها در شرایط فعلی تهدید جدی برای جایگاه او محسوب نمی‌شود؛ چرا که حامیانش، بویژه مهدی تاج، از نفوذ قابل توجهی برخوردارند. با وجود این مخالفان

مباحثه

آن مربی شجاع کجارت؟

ورمزیار: تیم ملی برای موفقیت به جوانگرایی نیاز دارد



در روزهایی که کادرفنی تیم ملی فوتبال ایران پس از نمایش ناامیدکننده در جام جهانی ۲۰۲۶ پشت خاکریز توجیهات آماری و واژه فریبنده «شکست‌ناپذیری» پنهان شده است، صدای انتقاد درون حلقه نزدیکان و هم‌نسلان امیر قلعه‌نویی، ابعاد جدیدی از بحران تاکتیکی و روانی تیم ملی را فاش می‌کند. صادق ورمزیار، پیشکسوت نامدار فوتبال ایران و یکی از نزدیک‌ترین دوستان

و هم‌تاقی‌های سابق سرمربی تیم ملی، در تحلیلی صریح و بی‌پرده، که کالبدشکافی پارادوکس بزرگ این روزهای نیمکت ایران پرداخته است؛ پارادوکسی که نشان می‌دهد سرمربی جسور ده‌های گذشته، چگونه در تله ترس و محافظه‌کاری مطلق گرفتار شده است.

ورمزیار درخصوص عملکرد تیم ملی ایران اظهار کرد: «قبیل از هر چیز باید بگویم امیر قلعه‌نویی دوست قدیمی و هم‌تاقی سابق من است و احترام زیادی برای او قائلم، اما همیشه معتقدم چگونه در تله ترس و محافظه‌کاری مطلق گرفتار شده است. ورمزیار درخصوص عملکرد تیم ملی، در بیان اظهار کرد: «قبیل از هر چیز باید بگویم امیر قلعه‌نویی شجاع تنگ شده؛ همان‌طور که وقتی به استقلال آمد، با جسارت تیم را متحول کرد، بسیاری از بازیکنان را کنار گذاشت، به جوان‌ها میدان داد و ظرف دو سال استقلال را به قهرمانی رساند. اگر می‌خواهد در تیم ملی به موفق باشد، باید دوباره همان روحیه را به دست بیاورد.»

وی ادامه داد: «قلعه‌نویی که در جام جهانی نظر فیفا در این باشگاه ثبت شده بود و این موضوع نشان می‌دهد که چگونه یک ترانسفر داخلی در امارات می‌تواند سود چند جانبه برای باشگاه‌های دبی داشته باشد.

یکی از جالب‌ترین پرونده‌های مالی این دوره، مکانیزم توزیع پاداش مهدی قایدی است. قوانین فیفا صراحتاً اعلام می‌کند پاداش روزانه هر بازیکن باید بین تمام باشگاه‌هایی موضوع نشان می‌دهد که چگونه یک ترانسفر داخلی در امارات می‌تواند سود چند جانبه برای باشگاه‌های دبی داشته باشد.

است که حضور ملی‌پوشان ایرانی برایش سود مالی بسیار خوبی به همراه داشته است. این باشگاه از محل حضور سعید عزت‌اللهی در جام جهانی حدود ۱۶۰ هزار دلار دریافت خواهد کرد.

همچنین بخشی از پاداش مربوط به مهدی قایدی نیز به شیب‌الاهلی تعلق می‌گیرد، زیرا این بازیکن در بازه زمانی دو ساله مورد نظر فیفا در این باشگاه ثبت شده بود و این موضوع نشان می‌دهد که چگونه یک ترانسفر داخلی در امارات می‌تواند سود چند جانبه برای باشگاه‌های دبی داشته باشد.

یکی از جالب‌ترین پرونده‌های مالی این دوره، مکانیزم توزیع پاداش مهدی قایدی است. قوانین فیفا صراحتاً اعلام می‌کند پاداش روزانه هر بازیکن باید بین تمام باشگاه‌هایی موضوع نشان می‌دهد که چگونه یک ترانسفر داخلی در امارات می‌تواند سود چند جانبه برای باشگاه‌های دبی داشته باشد.

یکی از جالب‌ترین پرونده‌های مالی این دوره، مکانیزم توزیع پاداش مهدی قایدی است. قوانین فیفا صراحتاً اعلام می‌کند پاداش روزانه هر بازیکن باید بین تمام باشگاه‌هایی موضوع نشان می‌دهد که چگونه یک ترانسفر داخلی در امارات می‌تواند سود چند جانبه برای باشگاه‌های دبی داشته باشد.

حاضر به پذیرش این شروط خواهد شد یا ترجیح می‌دهد مسیر همکاری خود با تیم ملی را به پایان برساند.

شنیده‌های ایران ورزشی همچنین حکایت از آن دارد که برخی مخالفان در هیأت رئیسه نسبت به اظهارنظرهای برخی اعضای کادرفنی، بویژه هومن افاضلی درباره عملکرد تیم ملی در جام جهانی انتقاد جدی دارند و خواهان توضیحات شفاف‌از سوی سرمربی تیم ملی شده‌اند

به نظر گرفتن مجموع این شرایط به نظر می‌رسد احتمال ادامه حضور قلعه‌نویی تا پایان جام ملت‌ها بیش از قطع همکاری او با فدراسیون باشد.

با این حال برخی کارشناسان معتقدند تغییرات احتمالی در کادرفنی به پس از جام ملت‌ها موکول خواهد شد تا تیم ملی با رویکردی تازه و کادری متفاوت آماده حضور در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۳۰ شود.

جدید فوتبال ایران را به جام جهانی ببرد؛ بازیکنان ۲۲ و ۲۳ سال‌ای که آینده فوتبال ایران هستند.»

ورمزیار با اشاره به برخی استعداد‌های جوان فوتبال ایران گفت: «بازیکنانی مانند سامان فلاح، حزباوی، رزاقی‌نیا، محمد قربانی، آریا یوسفی، محمودی، امیرحسین حسین‌زاده، حسین‌زاد و مهدی قاندی باید با شجاعت در چنین تورنمنت بزرگی بازی می‌کردند. حتی اگر نتیجه هم مطابق انتظار پیش نمی‌رفت، این تجربه برای آینده فوتبال ایران ارزشمند بود.»

او افزود: «اگر این بازیکنان در جام جهانی بازی می‌کردند، امروز بسیاری از آنها می‌توانستند لژیونر باشند، در اروپا تمرین کنند و تجربه حرفه‌ای به دست آورند. دو سال بعد هم با تجربه بازی مقابل ستاره‌های مثل کوین دی‌بروینه، محمد صلاح و عمر مروش، با آمادگی بیشتری در جام ملت‌های آسیا حاضر می‌شدند. این همان سرمایه‌گذاری روی آینده فوتبال ایران است.»

پیشکسوت استقلال در ادامه بر لزوم تقویت کادرفنی تیم ملی نیز تأکید کرد و گفت: «به نظر من قلعه‌نویی باید کادر فنی خود را تقویت کند. انتقادهای زیادی

نسبت به کادر فعلی مطرح شده است. من به هیچ یک از اعضای فعلی ایرادی نمی‌گیرم؛ رحمان رضایی، هومن افاضلی، آذرنیک تیموریان، الهویی و سایر دوستان می‌توانند در کنار تیم باشند و تجربه کسب کنند، اما حضور دو مربی باتجربه و سطح بالا در کنار سرمربی می‌تواند هم به خود قلعه‌نویی کمک کند و هم باعث پیشرفت سایر اعضای کادر شود.»

ورمزیار درباره غیبت برخی بازیکنان در جام جهانی نیز اظهار داشت: «سردار آزمون سال‌ها برای فوتبال ایران زحمت کشیده و بازیکن ارزشمندی است، اما به اعتقاد من بیشتر از غیبت او، نبود بازیکنانی مانند مهدی قاندی و امیرحسین حسین‌زاده به تیم ملی لطمه زد. این بازیکنان از نظر کیفیت فنی، هوش فنی و توانایی گلزنی می‌توانستند کمک فزاینده‌ای به تیم ملی کنند.»

او در پایان خاطرنشان کرد: «امیدوارم هرچه زودتر شاهد یک رنسانس و خانه‌تکانی اساسی در تیم ملی باشیم. شاید این تغییرات کمی دیر شده باشد، اما هنوز به دیر نیست، هرچه زودتر به سمت جوانگرایی و استفاده از نسل جدید برویم، آینده روشن‌تری در انتظار فوتبال ایران خواهد بود.»



هرچه بیشتر ستاره‌های ایرانی در پنجره‌های نقل و انتقالاتی آینده دوچندان خواهد کرد؛ روندی که خروجی آن، خالی شدن لیگ برتر ایران از ستاره، تضعیف باشگاه‌های داخلی در لیگ نخبگان آسیا و پرشدن حساب‌های بانکی در دبی و ابوظبلی با دلارهای فیفا خواهد بود و سهم ما از این سفره عظیم، تنها حسرت و تماشای موفقیت دیگران است.

لژیونرهای ایرانی، یک رنگ خطر جدی برای مدیریت فوتبال ایران است. اماراتی‌ها نه تنها از کیفیت فنی بازیکنانی چون قدوس، عزت‌اللهی و قایدی در لیگ خود بهره می‌برند، بلکه بدون کوچک‌ترین زحمتی، دلارهای فیفا را بابت حضور این بازیکنان در اردوی تیم ملی ایران به جیب می‌زنند. این پدیده بی‌شک انگیزه باشگاه‌های منطقه را برای صید